

ندای اصفهان

درس خارج فقه آیت الله سید ابوالحسن مهدوی- فصل فی الصلاة المسافر

کدخبر: 133654

1 فروردین 1400 در ساعت 7:19 ق.ظ

ندای اصفهان- حجت الاسلام جواد جلوانی

(مدرسه علمیه صدر بازار اصفهان)

در ادامه تقریر درس خارج فقه آیت الله سید ابوالحسن مهدوی (حفظه الله) و حواشی بر کتاب عروه الوثقی مورخ یکشنبه ۲۶/۱۱/۹۹ به نظر طلاب و علاقه مندان می رسد.

جهت دریافت دروس قبلی اینجا را کلیک کنید.

کتاب الصلاة - فصل فی الصلاة المسافر- احکام نماز مسافر- شرط پنجم قصر نماز- مسئله ۲۹ و ۳۰ و ۳۱

بسم الله الرحمن الرحيم.

مسئله بیست و نهم و همچنین مسئله سی ام مربوط به تابع شخص جائز است. می فرمایند کسی که تابع انسان جائز هست و دنبال او سفر می کند، آیا سفر او قصری یا تمامی است؟ دو حالت دارد؛ گاهی مجبور هست یا مکره بر سفر است یا قصدش دفع مظلمه از شخص جائز است و نحو این ها که باید بگوییم غرض، غرض صحیح یا مباح یا راجح است در این صورت نماز او قصر است، اما اگر در سفر مختار به تبعیت او باشد یک نوع اعانت جائز در جور او محسوب می شود و بر این شخص تابع واجب است که تمام بخواند گرچه سفر خود جائز ممکن است طاعت باشد. ولیکن تابع نمازش را تمام می خواند و متبوع که خود جائز است اگر سفرش طاعت است او قصر می خواند.

دو مطلب را در فرمایش ۲۹ صاحب عروه عرض می کنم؛



نکته اول این است که در قسمت اول حدیث داشتند که نماز قصر است دلیلش این است که اگر معصیت منتفی شد آن وقت دیگر مثال هایش مختلف است، هر جا که تابع معصیتی در آن وجود ندارد آنجا شکسته می خواند.

مثال خوبی که زدند این بود که می خواهد دفع ظلم بکند، حرکت می کند که بتواند نظر جائر را برگرداند و ظلم نکند یا این که مجبور و مکره باشد که در این صورت غرض او غرض مباحی است. در این صورت نماز شکسته است اما آنجایی که معصیت است باید تمام بخواند. منتها نکته ای را می خواهم عرض بکنم که صاحب عروه متذکر نشده اند.

نکته این است که در حدیث وقتی نگاه می کنیم مثلاً حدیث چهار باب هشت از ابواب صلاه مسافر جلد پنجم **صفحه ۵۱۰** وقتی روایت را ملاحظه می کنیم می بینیم که همین اندازه که مردی تشییع کننده ی سلطان جائر است نمازش تمام است. روایت این است «إلا ان یكون رجلاً مشیعاً لسلطان جائر» درحالی که صاحب عروه قید زدند و گفتند «کان تبعیته اعانت لجائر فی جوره» گفتند این شخصی که همراه جائر می رود و به او در ستم کمک می کند؛ مثل این که دارد می رود در حق یکی ظلم بکند و او هم همراه جائر می رود به او کمک می کند. روایت چنین قیدی ندارد، بلکه همین اندازه که سلطان، سلطان جائر است همراهی او، آن هم به حالت اختیار (چون ظاهر تشییع اختیاری است)، به همین اندازه که دارد سلطان جائر را تشییع می کند ولو او را در جور اعانت نکند باز هم نمازش تمام است.

خوشبختانه روایت دیگری داریم که نظر سید را رد می کند. **حدیث شش باب هشت** می گوید همین اندازه که قصدش دیدن سلطان جائر باشد، می رود که «مأمون» را زیارت بکند باز نمازش تمام است. ملاحظه بکنید که این سخن خلاف نظر سید هست و ایشان قید می زنند که باید تبعیت جائر یک نوع اعانت در جور او محسوب بشود تا نماز تمام بشود در حالی که شخص اصلاً نمی خواهد مأمون را اعانت بکند و فقط می خواهد برود او را زیارت کند. لذا صرف این که می خواهد برود او را زیارت بکند امام رضا (ع) فرمودند که باید نماز را کامل بخوانی.

باز روایت دیگری داشتیم که قبلاً در یک منظور دیگر ذکر کردیم. **روایت سه باب هشت** گفت «این کسی که دارد مسافرت می کند اگر رسول برای کسی باشد که معصیت خدا را می کند...» (اما دیگر نگفت که این رسول اعانت در معصیت او می کند). مرسل در وطنش معصیت خدا را می کند و آدم ظالمی است و این آقا از طرف او دارد مسافرت می کند باز نمازش کامل است.

لذا ظاهر روایات که من الان سه روایت را خدمتتان خواندم این است که نماز مسافر تمام است آنجائی که مشیع ظالم است یا قاصد دیدن سلطان جائر است یا رسول از طرف عاصی است، ولو اعانت به جور جائر نباشد. درحالی که سید قید زدند و گفتند

«اعانت جائر در جورش» لذا این قید به نظر ما اشتباه است و نباید می‌آمد و این باعث می‌شود که سید در مساله جور دیگری فتوا بدهند. فتوای سید این است که اگر اعانت جائر در جورش است «وجب علیه التمام».

نکته دوم: آخر مسئله ۲۹ می‌فرمایند که اگر سفر جائر طاعت است، مثلاً فرض کنید می‌خواهد به زیارت برود، جائر است اما فعلاً به زیارت می‌رود، باز فرمودند تابع باید تمام بخواند اما خود جائر قصری می‌خواند. این هم می‌گوییم قطعاً این فرمایش ایراد دارد و این به خاطر همان نکته‌ای است که عرض کردم؛ وقتی جائر به زیارت می‌رود تابع که اعانت به ظالم در جورش نمی‌کند، پس چرا باید نمازش تمام باشد؟ این تنافی با کلام قبلشان دارد. اما به اعتقاد ما می‌گوییم همین اندازه که مشیّع جائر هست و دارد همراهی با جائر می‌کند ولو اعانت بر جورش هم نباشد نمازش کامل است. مراجع را هم که نگاه کردم همه از سید تبعیت کردند، در حالی‌که به اعتقاد این بنده ایراد دارد و توضیحش را عرض کردم.

مسئله ۳۰: ادامه مسئله ۲۹ هست و یک تهافتی با کلام سید بین ۲۹ و ۳۰ می‌بینیم، منتها باید یک مقدار دقت کنیم. می‌فرمایند کسی که تابع جائر است و این تابع خودش را آماده برای اوامر جائر کرده است، چنین کسی اگر جائر به او امر به سفر کرد و او هم مسافرت کرد؛ جائر به او گفت که به سفر برو یا اگر خود جائر هم می‌رفت به او گفت همراه من بیا. مجدداً عبارت سید این است که اگر سفر او اعانت جائر بر ظلم است این سفر حرام می‌شود و واجب است که نمازش را تمام بخواند.

بعد می‌فرمایند قسم دوم این است که اگر این سفر من حیث هو مباح باشد، یعنی یعنی صرف نظر از این که دارد ظالم را اعانت می‌کند اما خود سفر مباح باشد، این صورت دوم را می‌گویند احوط آن است که جمع بخواند. صورت سوم می‌فرمایند اگر اعانت بر ظلم اصلاً نباشد واجب است شکسته بخواند. به این کلامشان ایراداتی وجود دارد.

نکته اول: این است که وقتی جائر امر به تابع می‌کند باید این باشد که اگر تابع مجبور یا مکره است از مصادیق مسئله قبلی (مسئله ۲۹) می‌شود که آن‌جا گفتیم دیگر غرض مباح است پس واجب است که شکسته بخواند، در حالی‌که سید اصلاً این نکته را در مسئله ۳۰ بیان نکرده‌اند که آیا تابع مجبور و مکره است که در سفر برود یا مجبور نیست؟ اول باید همین را می‌گفتند یعنی مسئله ۳۰ جدای از مسئله ۲۹ نیست. در مسئله ۲۹ گفتند که اگر تابع مجبور یا مکره است اما دیگر نمی‌گویند «با امر»، اما غالباً با امر است چون خود جائر امر می‌کند و تابع مجبور است. آن وقت در مسئله ۳۰ با اینکه تصریح کردند که «أمر الجائر» اما باز مجبور یا مکره بودن را فراموش کردند که بیان بکنند.

مراجع هیچ حاشیه بر این قسمت نزدند که این‌ها باعث می‌شود ما یک مقدار در فهم خودمان شک بکنیم که نکنند ما اشتباه داریم می‌فهمیم؟

نکته دوم: و اما اگر امر کرد ولیکن می‌توانست اطاعت نکند و می‌توانست سفر نرود، در شرایطی است که مجبور یا مکره نیست. در این صورت می‌گوییم نیازی به قید «فی ظلمه» نیست، این عبارت «اعانت ظالم فی ظلمه» این لزومی ندارد؛ علتش چیست؟ ما در مسئله ۲۹ گفتیم که ظاهر روایت این است که همین اندازه که مسافر مشیّع سلطان جائر است بدون قید اعانت ظالم در ظلمش فرمود نمازش دیگر کامل است.

اصلاً روایت زیارت مأمون و آن روایت حدیث شش که خواندم، ببینید این فرد دارد می‌رود سلطان جائر را زیارت بکند و نمی‌رود که او را در جورش کمک بکند، می‌رود که او را ببیند همین اندازه که قصدش زیارت اوست این موجب تمام شدن نمازش می‌شود. ما سابقاً جمله‌ی دیگری هم عرض کردیم که اگر یادتان باشد گفتم نماز قصر یک نوع کرامت از جانب پروردگار برای

شخص مؤمن است. لذا باید این بحث کرامت را نگاه نکنیم آیا قصد رؤیت ظالم کرامت دارد؟ البته تکرار می‌کنم بدون این که اعانت به ظلم او باشد، اما صرف این که دارد سفر می‌کند ۵۰ کیلومتر تا ۱۰۰ کیلومتر تا ظالم را ببیند آیا این کرامت است؟ کار خوبی دارد می‌کند؟

آن روایت که قبلاً خواندیم می‌گفت همین که کرامت نیست نمازش کامل است. لذا این سه حالتی که سید ذکر کردند ظاهراً درست نیست و اقوی در صورت ثلاث تمام خواندن نماز است. البته در سومی یک احتیاط مستحب می‌گویند که جمع بخواند آنجایی که فرمودند اعانت به ظلم اصلاً محسوب نمی‌شود، در حالی که در همان قسم سوم عرض کردم ولو اعانت بر ظلم هم نباشد ظاهر روایت‌ها می‌گویند که تمام است و عجیب است که باز مراجع همه از سید در این مسئله تبعیت کردند.

یک روایت دیگر هم بخوانم. روایت ۹ باب ۹ جلد پنجم صفحه ۵۱۳ از کسانی که می‌گویند نمازشان کامل است «اتیان باب السلطان» یعنی دارد در خانه سلطان می‌رود. حضرت می‌فرمایند که اتیان باب سلطان قلب را فاسد می‌کند و نفاق را در قلب می‌رویانند همان طوری که آب درخت را می‌رویانند و آن شخص را منافق می‌کند. همین اندازه که در باب سلطان می‌رود و لو قصدش اعانت بر ظلم نیست.

این ها را ملاحظه کنید و ببینیم که این اتیان باب سلطان لازم نیست که اعانت به ظلم او هم باشد بلکه می‌گوییم برای چه داری می‌روی؟ می‌گویند می‌روم که ظالم را ببینم، می‌روم از نزدیک چهره او را ببینم. کرامت از جانب پروردگار برای سفر او نیست پس نمازش کامل است.

این را اگر دقت کنید اصل مسئله ۳۰ احکامش کاملاً متفاوت با آنچه که سید گفتند می‌شود و باید بگوییم اقوی در هر سه صورتی که ایشان ذکر کردند این است که باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۳۱: اگر سفر برای صید کردن باشد، در این صورت اگر صیدی که می‌خواهد بکند برای قوت خود یا قوت عیالش باشد و می‌خواهد غذا بخورد پس نمازش شکسته است. بلکه اگر صید برای تجارت باشد، می‌خواهد صید بکند و بعد بفروشد و یک تجارتی بکند آن هم می‌فرمایند نمازش شکسته است اما احتیاط مستحب در صورت تجارت می‌گویند جمع بخواند، اما اگر سفر او برای صید لهوری باشد چنانچه کسانی که فکرشان فکر دنیایی است همین‌طور خوششان می‌آید که یک حیوان را گیر بیندازند و بکشند. اگر چنین حالتی در ذهنش است و می‌خواهد به سی کیلومتری برود و صید بکند نه برای قوتش بلکه همین‌طور می‌خواهد لذت رانی بکند، واجب است که نمازش را تمام بخواند. فرقی هم نیست بین این که صید بزی یا بحری باشد، و فرقی نیست بعد از این که سفرش صدق بکند (یعنی چهار فرسخ باشد)، فرقی نیست بین اینکه سفر او دائری در حول شهر باشد یا مستقیم از بلدش دور شود. در همه این موارد حکم فرقی نمی‌کند و اگر برای قوت باشد نماز قصر است و اگر از روی شهوت نفس است نماز تمام است.

پنج مطلب را در این فرمایش سید داریم.

نکته اول: روایت در تمامیت سفر صیاد مستفیضه است اگر نگوییم متواتر معنوی است.

نکته دوم: در باب ۹ چند حدیث است که بخوانم. حدیث پنج باب ۹ گرچه مرسله است اما معموله است و به آن عمل شده است. فرمود هم باید روزه‌اش را افطار بکند و هم نمازش را شکسته بخواند. همچنین حدیث چهار که خوبی‌اش این است که تعلیل هم در مورد صید در آن ذکر شده است. حضرت می‌فرمایند کسی که همین‌طور بر روی شهوت نفسش می‌خواهد برود و

حیوانی را صید بکنند این مسیر، مسیر حق نیست. می‌دانید این تعلیل مفید حکم است به این که صید اگر برای قوتش یا قوت عیالش باشد آن دیگر مسیر حق است پس نمازش شکسته می‌شود و اگر برای قوت خود و عیالش نباشد دیگر مسیر حق نیست.

حدیث هفتم از باب ۹ باز این هم تعلیل دارد که صید کردن مسیر باطل است و نماز در آن شکسته نیست به خاطر این که مسیر باطل دارد می‌رود. از روایت هفت مفهوم اش را می‌گیریم که اگر مسیر حق بود و برای قوت خودش یا عیالش باشد اشکالی ندارد و همچنین **حدیث نهم** که فرمود صید نفاق را در قلب انسان می‌رویاند. همه این‌ها می‌تواند جبران بکند آن حدیث پنج باب ۹ را که مرسله است و این از نظر عقلی هم همین است و لیکن نخواستیم از اول حکم عقلی اش را عرض بکنیم اما بالاخره نشان می‌دهد که وقتی یک وجه عقلایی برای سفرش یاد می‌شود دیگر اشکالی ندارد.

با توجه به این تعلیل‌ها نکات بعدی را می‌گوییم.

نکته سوم: با نگاه به تعلیل‌های فوق دیگر معلوم می‌شود فرقی بین صید بزی و صید بحری نیست. حالا اگر صید بحری هم باشد و از روی شهوت نفسش این کار را بکند باز در مسیر حق نیست، بنابراین تعلیل می‌تواند راه حل خوبی برای ما باشد که گفتند التعلیل یعمم.

بنابراین وجهی برای کلام صاحب جواهر که گفتند این صید منصرف است به آن صیدی که معهود و متعارف بین ملوک و ابناء دنیاست، آن‌ها معمولاً به دنبال صید بزی هستند و در کوه‌ها و دامنه کوه‌ها می‌رفتند مثلاً یک بز کوهی شکار می‌کردند، متعارف آن بوده و در دریا نمی‌رفتند. به صاحب جواهر عرض می‌کنیم که ولو متعارف از نظر وجود خارجی آن است و کلامتان درست است اما این مؤثر در فارق حکم نیست چون روایت تعلیل بود و گفت چرا نماز کامل است؟ چون مسیر، مسیر باطل است یا به خاطر این که در مسیر حق نیست. خلاصه کلام صاحب جواهر خلاف تعلیلی است که در این روایت‌ها است. اگر این تعلیل را ملاحظه بکنیم جلوی انصراف را می‌گیرد.

نکته چهارم: ظاهر بعضی از روایت‌ها عدد ۳ روز است؛ مثلاً روایت ۳ باب ۹ می‌گوید تا سه روز نماز را کامل بخواند و بعد شکسته است. «لیس علی صاحب الصید تقصیر ثلاثه ایام» می‌گوید تا سه روز کامل می‌خواند و تقصیر ندارد. بعد فرمودند «و اذا جاوز الثلاثة لزمه» (و لزمه التقصیر). این روایت‌ها اولاً اجمال دارد، عدد سه روز هیچ وجهی ندارد و با هیچ قاعده فقهی تناسب ندارد و ثانیاً این روایت معمولاً به نیست لذا ما نمی‌دانیم عدد سه چه بوده. البته می‌توانیم توجیه بکنیم و ببینیم که این آقا تا سه روز به دنبال صید بوده و معمولاً هم به دنبال صید حداکثر سه روز است بعد که از صید صرف نظر می‌کرده و به دنبال کار دیگر بوده آن وقت دیگر نمازش شکسته می‌شده است.

نکته پنجم: این است که وجهی برای احتیاط سید در صید برای تجارت وجود ندارد. ایشان فرمودند اگر صید برای تجارت است احتیاط مستحب آن است که جمع بخواند. عرض می‌کنیم وجهی برای احتیاط نیست چون ما معیارمان حق بودن و ناحق بودن است و تعلیل داشتیم، وقتی برای تجارت باشد این یک امر حقی است و برای شهوت نفس نیست پس دیگر اشکالی ندارد.

چنانچه وجهی برای احتیاط وجوبی از طرف حضرت امام (ره) نیست. ایشان در همین جا که برای تجارت است می‌فرمایند احتیاط واجب آن است که نماز را جمع بخواند بعد جالب است که ایشان می‌فرمایند نماز را احتیاط واجب است نه روزه را که جمع بخواند. این تفاوت بین نماز و روزه را ما نفهمیدیم که امام از کجا استفاده کردند.

انتهای پیام/

برچسبها: جواد جلوانی، درس خارج فقه، سفر، سید ابوالحسن مهدوی، کتاب عروه الوثقی، مباح، مدرسه علمیه صدر بازار،
نماز مسافر

برگرفته از ندای اصفهان: <https://nedayeesfahan.ir>

Copyright © 2015 ندای اصفهان. All rights reserved.